دوست ارجمند آقای [illegible] گودرزی

سال نو ۱۹۹۲ مبارک باد! این نخستین نامه ایست که امسال در پاسخ نامه ۱۳ نوامبر ۱۹۹۱ شما می نویسم. که برای جهات دیر شد: در سفر بودم، خانه عوض کردم و دو هفته اخیر با ذات الریه و تب شدید بستری ام. می خواهم دستکم به یکی از نامه ها پاسخ داده باشم تا کلید این من و این دوستان دیگر.

۴ مجموعه شعر دو شاعر جوان را که فرستاده بودید خواندم و در حاشیه های هر شعری برسم عادت همیشگی ام نظرم را درباره واژه ها و حتی مثلاً بدبینی، زیبائیت و... نوشته ام، اما با وجود اینکه نمی خواهم به اصطلاح روی شعر را زمین بگذارم، تنها یکی دو تا گزینه ای بکنم وقت ~~[illegible]~~ ابداً نقد نوشتن برای آنها را ندارم. و اصولاً نگرانم آیا هر مجموعه شعر شاعری نقدی نگاشته شود؟ بویژه اگر شاعر روز ده تا شعر ~~[illegible]~~ بپرورده باشد. یک شاعر عادی در سال می تواند از ۱۲ تا ۲۰ قطعه شعر عادی بیافریند و حرفی نو بگوید، مگر اینکه داستان منظوم یا ترجمه شعری و کتابی بزرگی باشد. ما گرفتار این مقدار زیادی کتاب های شعر و نثر یا مجله و روزنامه از گوشه و کنار دنیا فرستاده می شود. کاری که می کنم گاهی با نامه تشکر آمیزی و نظر بسیار کوتاه چند جمله ای رسید آنها را به فرستنده می نویسم. فکر می کنم مجله هم می تواند خبر چاپ آنها را درج کند نه حتماً نقد. امیدوارم دلخورتان نکرده باشم.

نشانی تازه ام را هم همراه این نامه و هم روی پاکت می نویسم. حق ۳۰ یادآوری [illegible] در مورد اشتراک مجله از امریکا دارد با برایم فرستاده شده و نمی دانم به کجا بفرستم. ~~[illegible]~~ لذا ~~[illegible]~~ (۳۰ دلار) به ~~[illegible]~~ کنم و به پیوست همین نامه می فرستم. ابتدا ~~[illegible]~~

اگر لطفاً خبر [illegible] را بپرسید خواهم [illegible] بفرستید.

ضمناً نامه ای که به آقای [illegible] در رابطه با چاپ [illegible] نوشته ام و مستقیماً با خود [illegible] ارتباط دارد [illegible] ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~

با سلام و درود گرم به شما و همه دوستان هنرپرور گردانندهٔ پر و اثر به خانم محترم تان. بویژه همزبانان مهربان تان.

~~[illegible]~~ پیروز و شاد و کامیاب باشید

دوستتان ژاله

لندن سوم ژانویه ۱۹۹۲